

نگاه روزنامه ثریا به مقوله مشروعیت

عاطفه تاج آبادی

دوران قاجار برای ایرانیان مصادف است با زمان آشنایی و رویارویی آنان با مقوله دموکراسی یا دست کم تلاش آنان جهت دستیابی به دموکراسی. هر چند که برای روشنفکران آن عصر مفهوم نظری دموکراسی و کاربست آن در عمل دقیقا به معنی و مفهوم غربی آن نبود. در حقیقت پایه‌های دموکراسی خواهی در ایران تلاش‌هایی بود که برای انجام اصلاحات و هم‌چنین نوسازی دستگاه اداری اجرایی صورت می‌گرفت. اصلاحاتی که اغلب به تغییرات روبنایی ساده‌ای می‌انجامید. روزنامه ثریا به سردبیری علی محمدخان کاشانی به عنوان یکی از روزنامه‌های منتقد و مستقل آن دوران با انتقاد از وضعیت اداری - سیاسی کشور، اصلاح ساختارهای بوروکراتیک را راهی به سوی پیشرفت و ترقی معرفی کرده و به اصلاحات سیاسی و تغییرات اساسی در ساختار دستگاه حکومت نمی‌پردازد.

این روزنامه علی‌رغم سیر تفکرات جدید نشریات آن دوران، به مفاهیمی چون مشروطه‌خواهی، پارلمان و نمایندگان مردم وقعی نمی‌نهد و سخن پادشاه را به سان قانونی عادلانه مبنا و منشأ تنظیم امور کشور می‌پندارد: «ولی نعمت معظم ما، شاهنشاه دل آگاه عادل باذل و پدر مهربان ملت و رعیت ملتفت مضرات استبداد و عدم قوانین حریت مشروعه و



فقدان اصول مسئولیت گردیده و مترصدند قانونی عادلانه در میان این ملت حنیف گذارند. تا هر کس بدون دغدغه افکار و خیالات خود را که برای صلاح حال وطن عزیز صائب و مفید پندارد به عرض خاک پای مبارکش برساند تا شاید به این وسیله رفع مفاسد و معایب از این ملت بیضا شود و آنچه تاکنون دست خوش غارتگران به حمیت و مروت گردیده و به مصارف ملامی و مناهی می‌رسیده، صرف آبادی مملکت نمایند. و لشگر و سپاه ما را که حافظان و حارسان مملکتند منظم و مرتب فرمایند» (ثریا، سال ششم، شماره ۲۰)

هم‌چنین با توجه به بنیان گرفتن جامعه ایرانی بر دو محور اندیشه سیاسی شیعه و اندیشه آرمان شهری سلطان ایرانی، مشروعیت پادشاه، مشروعیتی الهی تلقی می‌شود که به سبب آن قوانین و دستورات وی بر اتباع خود لازم‌الاجرا می‌گردد.

روزنامه ثریا نیز در چالش رویارویی با مفاهیم و مظاهر مدرنیته، با تأسی به باورهای سنتی مشروعیت حکومت، به مبانی مشروعیت جدید و ساختارهای سیاسی مدرن نپرداخته و اطاعت از پادشاه را اطاعت از اسلام می‌داند چنانچه در شماره ۲۴ سال ششم بر همراهی مردم با پادشاه تأکید کرده و می‌نویسد: «دست عبودیت به پادشاه خود دهید و او را در وسط گرگان تنها و بی‌معین نگذارید زیرا یک دست صدا ندارد و از یک تن وطن پرست کاری برنیاید...

اگر تاج و تخت ایشان بدون ثروت باشد و خزانه ملت خالی بماند و آنچه از هر جا و هر محلی برسد فوراً محل مفت‌خوران بی‌حمیت شود، آن‌وقت از کجا دارای یک کرور قشون و آلات حرب خواهند شد و از کجا اسباب آزادی و ترقی ملت برای ایشان فراهم می‌آید؟ این‌ها نمی‌دانند پادشاه به منزلهٔ چوپان و رعیت به مثابهٔ گوسفند و اسلحهٔ جنگ و آلات حرب حافظان و حارسان آن‌ها می‌باشند. هر گاه این اسباب برای ایشان حاضر و مهیا نباشد قریباً گرگ‌هایی که اطراف آن‌ها را احاطه نموده آثار رویارویی از ایشان را باقی نخواهد گذاشت.»

این در حالی است که کسروی در کتاب تاریخ مشروطیت ایران با انتقاد از رویکرد ثریا نسبت به حکومت مشروعه و نمایندگان در معرفی این روزنامه می‌نویسد: «ثریا نخست نوشتن آن با میرزا علی‌محمدخان کاشانی بود و آوازه‌گفتارهای تند آن به همه‌جا می‌رسید ولی سپس او جدا شد و خود نامه پرورش را بنیاد نهاد و ثریا از ارج افتاد. سال ششم آن را



که در سال ۱۳۸۲ در تهران چاپ شده و نویسنده اش سید فرج‌اله کاشانی بوده من دیده‌ام و روزنامه بسیار پستی است. یکی از زشتی‌های این روزنامه کشاکشی است که با حبل‌المتین پیدا کرده و سخنان سبک و زشت بسیاری، که خود دشنامست، به دارنده حبل‌المتین می‌شمارد. حبل‌المتین گاهی سخن از قانون و حکومت مشروعه به میان می‌آورد. این در پاسخ آن می‌نویسد: «در پادشاهی که آسمی از مقام سلاطین سلف و اعدل از ملوک دادگستر جهان است، خرافات و ترهات سلطنت مشروعه و غیرمشروعه چرا می‌بافی و هر آهنگر و عمله و بقال را محق در تدقیقات امور دولت می‌شماری... این سخنان مشابه به کلام جن‌زدگان چه سود بنخشد... این بوالفضولی‌های مردود از سیدجمال معهود است، تو سید جلال بی‌جمال چه می‌گویی.»

روزنامه‌ت‌ریا نوسازی دستگاه اجرایی و اصلاحات بورکراتیک را در برابر پرداختن به مسایلی چون حکومت پارلمانی قرار داده و به اصلاحات اداری و سامان یافتن دستگاه اقتصادی کشور توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد.

از جمله مسایلی که این روزنامه هم‌چون نشریات هم‌عصر خود بر آن تأکید می‌کند، سامان یافتن وزارت‌خانه‌ها و ادارات و تنظیم و تقسیم امور مملکتی است و با توجه به سیستم اداری قاجاری^۱ ایرادات آن تأسیس ادارات به معنای جدید و مدرن را جهت انجام وظایف حکومت لازم می‌شمارد.

«... در مقام دول متمدنه اسلامی و فرنگ دوایر دولتی متعدد است و هر اداره دارای قانونی مخصوص می‌باشد که هر دولتی بر حسب استطاعت و تمکن خود مجبور به دایر داشتن آن ادارات هستند و این ادارات از داشتن دو شخص اول است که یکی وزیر داخله و دیگر وزیر خارجه باشد و ادارات مزبوره از این قرار است:

مالیه، عسکریه، عدلیه، نظمیه، بلدییه یا احتساییه، گمرکات، تجارت، فلاحه، معادن و اوقاف و این‌ها تماماً راجع به امور داخله و وطنیه است که هر دولتی از دایر داشتن این ادارات ناگزیر است و چنان‌چه عرض نمودیم هر دایره‌ی دارای قانونی مخصوص می‌باشد که عقلاً و فضلاً و دانشوران مملکت با مشورت یکدیگر موافق مقتضیات و ضروریات مملکت خویش و مراتب تربیت ابنای وطن، زحمت‌ها کشیده و رنج‌ها برده تا قانونی ترتیب داده و تدوین نموده‌اند.» (ت‌ریا، سال ششم شمارگان ۲۱-۲۰)



روزنامه ثریا با توجه به بافت اجتماعی و سابقه وجود دستگاه بوروکراتیک سستی در کشور، تأسیس ادارات را به شیوه کشورهای غربی در ایران مفید فایده ندانسته و اذعان می‌دارد که انتقال قانون کشورهای چون انگلیس و فرانسه به ایران بدون وجود قوه مجریه مستقل و منفک از سایر دستگاه‌ها و قوای حکومتی میسر نیست و در این راستا تغییر و تبدیل قوانین را جهت کاربست بهینه آن لازم می‌شمرد و این مساله را در گرو اجتهاد نخبگان ملی می‌داند و پیشنهاد می‌کند که :

«به این سبب دول متمدنه نیز در عصر و زمانی به مقتضای عقول و ترقیات ملت خود قانونی مخصوص مجری داشته و در میان ملت ترویج می‌دهند و بسا یک دولتی به واسطه تفاوت اخلاق ملت خویش در هر شهر یا مملکتی از ممالک خود قانونی جداگانه می‌گذارد ولو آن‌که اساس و بنیان قوانین جاریه یکی است فقط بعضی از فصول و مواد آن را تغییر می‌نماید. آن هم تا زمان معین پس هرگاه ما نیز امروز بخواهیم برای خودمان قانون و اداره‌ای تشکیل دهیم مجبور خواهیم بود که یا مجتهد شویم و یا مقلد، پس هرگاه بنا بر اجتهاد گذاریم لابد و لاعلاج باید در این باب کنفرانس یا انجمن از دانشوران بصیر و خبیر با علم و فطین خود را از هر طایفه و مذهبی بلا استثناء فقط بدون مداخله ملل خارجه تشکیل دهیم و افکار هر یک از اعضا را بر صفحه کاغذ آورده از میان آن‌ها قانونی اتخاذ نماییم آن وقت به امنای دولت و سایر نمایندگان دول متحابه رسانیده در میان ملت و وطن خود ترویج و انتشار دهیم به این ترتیب و اصول دیگر مورد ایراد و تعنت نخواهیم گردید و مقام دول روی زمین ما را دارای قانون خواهند پنداشت و رعایا نیز مجبور به قبول و اطاعت می‌گردند» (ثریا، سال ششم، شماره ۲۱).

توضیح:

۱- «در سیستم اداری قاجاریه وزراء در برابر صدراعظم مسئولیت نداشته و تنها از شخص شاه دستور می‌گرفتند هم‌چنین مجلس دربار اعظم یا دارالشوری کبرای دولتی با عضویت صدراعظم و وزیران و شاهزادگان بزرگ و چند تن از رجال و اعیان وجود داشت که در باب اموری که از طرف شاه صادر می‌شد مشورت کنند و معمولاً این مجلس اموری را صرفاً می‌پذیرفت که اراده شاه به آن تعلق می‌گرفت». تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه، عباس قدیانی. انتشارات فرهنگ مکتوب تهران.

